

معناشناسی امر و نهی امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

چکیده

قرآن کریم کتاب هدایت و مایه رحمت و بشارت برای مسلمانان است. در طول تاریخ آیات و مضامین قرآنی ابزاری هنری و منبعی الهام‌بخش برای شاعران و ادیبان بوده است. معناشناسی عامل بسیار مهمی است که به وسیله آن می‌توان به تحلیل معنای واژگان یک متن پرداخت و جایگاه و مفهوم واقعی و دقیق کلمات و ترکیب‌های آن را با توجه به نظام معنایی که در آن قرار دارد به دست آورد. این نوشتار که از نوع کیفی است و با روش توصیفی تحلیلی به رشته تحریر درآمده، به تحلیل معناشناسی واژه و مفهوم "امرونی" در دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. با بررسی نظرات فقها و کنکاش در متون فقهی، در این پژوهش چنین استنتاج شد که امر و نهی در دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر، در همه مراتب آنها الزاماً معنای واحد نداشته بلکه برای هر مرتبه ای از مراتب باید تطابق معنایی این الفاظ با مرتبه مربوطه لحاظ گردد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، اصول فقه، امر به معروف، نهی، معناشناسی.

Commented [PARANDCO1]: حتماً به یکی از مقالات منتشر شده در فصلنامه مطالعات قرآنی ارجاع دهید

Commented [PARANDCO2]: مقاله نباید از شش هزار کلمه بیشتر باشد مازاد آن حذف شود

Commented [PARANDCO3]: چکیده از ۱۷۰ کلمه بیشتر نباشد

Commented [PARANDCO4]: حرف اضافه به کامل و جدا از کلمه بعدش نوشته شود در همه مقاله اصلاح شود

Commented [PARANDCO5]: نیم فاصله در مقاله رعایت شود

Commented [PARANDCO6]: نیم فاصله

Commented [PARANDCO7]: کلیدواژه‌ها عین کلمات عنوان نباشد

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر دو واجب از فروع دین هستند؛ امر به معروف دعوت کردن کسی که عمل واجبی را ترک کرده به انجام آن و نهی از منکر تلاش برای جلوگیری از انجام کار حرام توسط فرد گناهکار است. از نظر فقهی امر به معروف و نهی از منکر بر کسی واجب است که نسبت به معروف و منکر آگاهی داشته و احتمال تأثیرگذاری نیز بدهد. در قرآن بارها از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه‌ای ویژه برای امت پیامبر(ص)، یاد شده و گاه در کنار باورهایی چون ایمان به خدا و معاد یا اعمالی چون نماز و زکات آمده است.

امرونی معانی متعددی دارند از طرفی امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتب سه گانه نیز می باشند که هر مرتبه شأن و کاربرد مشخص خود را دارد لذا تطبیق معنای امر و نهی با مراتب سه گانه و رعایت تناسب در بکارگیری معنا با مراتب، در فهم این دو فریضه و سپس اجرای آنها بسیار مهم است. پژوهشی که اینک فراروی شماس از نوع کیفی می باشد و با تکیه بر روش توصیفی و تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه‌ای نوشته شده و به دنبال واکاوی و شناخت مراد از "امرونی" در هر یک از مراتب امر به معروف و نهی از منکر و تبیین این است که "امرونی"، صرفاً معنای دستور و فرمان دارد یا غیر دستور را نیز شامل می شود؟ چگونه امر یا نهی صورت گیرد که مخاطب در نتیجه آن واکنش منفی و جبهه گیری در مقابل امر یا نهی نداشته، بلکه با دریافت حق ضمن پذیرش موضوع، اثرپذیری مطلوب هم در او مشاهده شود؟

پژوهش حاضر بر آن است که با توجه به تعدد معانی الفاظ "امرونی" و نیز تعدد مراتب امر به معروف و نهی از منکر، روشن کند که کدام معنای امر و نهی با کدام مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر سنخیت دارد و آیا ممکن است معنی دستور و فرمان در تمام مراتب استفاده شود؟ به فرض تعمیم معنای دستور و فرمان، به همه مراتب امر به معروف و نهی از منکر، روشن شود که چگونه لفظی که جبر معنای حقیقی آن نامیده شده در فعلی به کار رفته که تکلیفی را به وجود می آورد که این تکلیف اساساً با رأفت و محبت انجام میگیرد؟

پیشینه تحقیق

در رابطه با پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه که می‌تواند در زمرهٔ پیشینه پژوهش حاضر باشد باید گفت در کتب مرجع فقهی به امر به معروف و نهی از منکر بیشتر از جنبه حکمی پرداخته شده و مباحث کلی از قبیل: نوع و جوب، شرایط، مراتب و اهمیت آن طرح شده است و فقها عمدتاً به بُعد فردی و جنبه تکلیفی این دو فریضه توجه نموده‌اند.

در کتب فقهی تعریف مبسوط و مشخصی از امر و نهی دیده نمی‌شود در میان تعاریف نزدیک به هم، اوج تعریفی که از امر و نهی استنباط می‌شود سیاق تعریف اصولی است که صرفاً علامه حلی در تحریر این دو واژه را بر اساس آن (علو و استعلا در امر) تعریف نموده است.

شایان ذکر است که در این زمینه مقالاتی نیز نوشته شده است که بارزترین آن‌ها عبارتند از:

- مقاله «امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه آن» از «سید اسماعیل حسینی اجداد و اکرم رخشنده نیا» (۱۳۹۱ش). مهم‌ترین دستاورد این مقاله آن است که انجام دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر توسط آحاد مومنین نه تنها باعث هرج و مرج و آشوب طلبی نمی‌شود، بلکه باعث استحکام پایه‌ها و باورهای اسلامی می‌شود و در تربیت عمومی جامعه بسیار تأثیرگذار است؛ همچنین عدم تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در مخاطب، نمی‌تواند بهانه و توجیهی برای ترک این عمل باشد.

- مقاله «امر به معروف و نهی از منکر و روش‌های تأثیرگذار آن از نظر امام رضا (ع)» از «سید جواد خاتمی و سیده سمیه خاتمی و حسین براتی» (۱۳۹۱ش). نویسندگان در این مقاله به این نتیجه رسیدند که عمل به دستورهای الهی، امیدوار کردن مخاطب، داشتن حسن ظن به مخاطب، معرفی الگوهای خوب و بد، بیان خوبیها با ایجاد محبت، جایگزین کردن، رسوا کردن چهره‌های مختلف، بیان علت و فلسفه یک حکم نمایش دسته، جمعی، استعلایی بودن امر و نهی، و حفظ عزت نفس آخرین حد تا توان. هر یک از این روشها در جای خود، بررسی شد. با مشاهده این روش متوجه، ثیرگذار آهای ت نوعی انطباق بین زندگی امام رضا (ع) و انجام این واجب میشویم و قابل جمع بودن این دو فعل را در عمل، مشاهده می کنیم

وجه تمایز مقاله حاضر با پژوهش‌های مذکور آن است که مقاله حاضر قائل به تلفیق معانی و عدم اختصاص معنی خاص برای امرونهی به سیاقی که آن را در دستور و فرمان صرف خلاصه کرد می باشد و امرونهی را در دو فریضه امریه معروف ونهی ازنکر بسته به مرتبه اجرایی آن قابل تسری می بیند به این معنا که در مرتبه قلبی و لسانی امرونهی با نرمی و نوعاً بدون اجبار و استفاده از زور معنا نموده و در مرتبه عملی به لحاظ شدت امرونهی باید از استحکام لازم برخوردار بوده و مفاد آن جنبه دستوری پیدا کند را مورد تأکید قرار می دهد.

امر و نهی در لغت و اصطلاح

امرونهی از لغاتی هستند که گستره معنایی زیادی دارند و در لغت برای آنها معانی مختلف و فراوانی بیان شده است. توجه به این مطلب مهم است که لغویون نهی را ضد امر، و نقیض آن تعریف کرده اند، بر این اساس هر آنچه که در تعریف کلمه امر، بیان گردیده نقیض آن، تعریف نهی است. امر گاهی در معنی دستور بکار رفته مانند:

وَأْتِمُرُوا بِرَبِّكُمْ يُعْلَمُ مَا تُغْتَابُونَ (طلاق/۶) آی لیأمر بعضکم بعضا بالمعروف. (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۰۸) گاهی در معنی مشورت کردن:

إِنَّ الْمَلَائِئَةَ يَأْتِمُرُونَ بِكَ لِيُقْتَلُوا (قصص/۲۰) آی یتشاورون فی قتلک (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۰۸) گاهی در معنی صلاح و شایستگی و مصلحت قوله تعالی:

وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا (فصلت/ ۱۲) آی ما یصلحها (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۰۸) و گاهی نیز در معنی حادثه، به کار برده شده است: يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ (رعد/۱۱) آی یحفظونه من المضار بأمر الله (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۰۸) یعنی او را از ضررها (حادثه ها) حفظ می کنند. غیر از این معانی در معانی دیگری نیز بکار رفته مانند:

وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ (نحل/ ۷۷)

قیل معناه آن إقامة الساعة و إحياء جميع الأموات یكون فی أقرب وقت و أسرع، و هو مبالغة. (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۰۸) گفته شده معنای امر در اینجا به برپایی قیامت و زنده شدن مردگان در نزدیکترین و سریعترین زمان اشاره دارد.

آیات در پاراگراف جداگانه نوشته: [PARANDC08] Commented
شوند ترجمه زیر آنها باشد

آیه اَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ (نحل/۱)

اشاره به قیامت است که با عمومی‌ترین لفظ یعنی "امر" آن را یادآوری نموده و

آیه بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً (یوسف/۱۸)

امر در این آیه هم به همه آنچه را که نفس اماره به سوء و زشتی امر می‌کند اشاره دارد. (راغب)

، ۱۳۷۴: ۲۰۴-۲۰۰

مشورت کردن، تبنای کردن، دستور و فرمان دسته بندی دیگری از معانی ذکر شده برای امر است (بستانی، ۱۳۷۵: ۳) یا گفته شده امر دو معنی دارد «یکی کار و چیز، جمع آن امور است و دیگری: دستور و فرمان.» (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۱۰) الْأَمْرُ: بِمَعْنَى الْحَالِ جَمْعُهُ (أُمُورٌ) وَعَلَيْهِ «وَمَا أَمْرٌ فِرْعَوْنُ بِرَشِيدٍ» وَ (الْأَمْرُ) بِمَعْنَى الطَّلَبِ جَمْعُهُ (أَوَامِرٌ) (فیومی، ۱۴۱۴: ۲۱) نهی: منع کردن و باز داشتن از چیزی. (راغب، ۱۳۷۴: ۴۰۳)

نهی در کتاب "العین" (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۹۳)، "الصاحح" (جوهری، ۱۳۷۶: ۲۵۱۷)، "المحیط
للغه" (صاحب، ۱۴۱۴: ۶۸) خلاف امر معنا شده است یعنی کسی دیگری را از انجام کاری نهی

کرده و مانع شود. نهی: زجر و منع (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۱۶) نهی یعنی کسی را از چیزی بازداشتن چنانکه خداوند متعال از ارتکاب حرام منع فرموده است یا نهی با ضم "نون" که به عقل برمی‌گردد از آن جهت که عقل از کار زشت منع می‌کند. (فیومی، بی تا: ۶۲۹) همین تعریف از نهی در قاموس نیز ذکر شده است. (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۱۷)

۵- امرونی در اصول فقه

امر و نهی عنوان بخشی از مباحث اصول فقه که به چگونگی تفسیر اوامر و نواهی شرعی می‌پردازد. بحث از امر و نهی از کهن‌ترین بخشهای اصول فقه بوده، و از نخستین مراحل پای‌گیری این دانش، مورد توجه قرار داشته است. بخش مهمی از تشریح، چه در کتاب و چه در سنت، در قالب امر و نهی صورت پذیرفته، و از همین رو، دست یافتن به درک صحیحی از امر و نهی، لازمه استنباط احکام و تفسیر شریعت بوده است. درباره سنت، باید در نظر داشت که مصداق امر و نهی، در مواردی است که سنت از گونه قولی است؛ اما در سنت فعلی یا تقریری، با آنکه اتباع سنت همچنان ضرورت دارد، بحث امر و نهی مصداقی نمی‌یابد. از نظر تاریخی، مبحث امر و نهی

نام افراد در مقاله ایتالیک شود و :Commented [PARANDCO9]
نام آثار در گیومه قرار گیرد

همچون دیگر مباحث کهن الفاظ، در ارتباطی مستقیم با دلیل کتاب و کاربردهای آن شکل گرفته، و گسترش یافته است. این مبحث در باب بندی علم اصول، در زمره آن گروه از مباحث الفاظ است که به تفسیر گونه‌های لفظی می‌پردازد. در یک کلام باید گفت در اصول فقه در بحث اوامر و نواهی به تعریف معنای امر و نهی، پرداخته شده که برای تبیین موضوع و دست یافتن به تمامی زوایای معنا و مفهومی که برای امر و نهی وجود دارد، بررسی آنها ضروری است و قطعاً در تبیین موضوع حاضر، کمک کننده خواهد بود. برای بررسی معنای امر و نهی باید دو جنبه را در نظر گرفت: ۱. قولی یا فعلی بودن امر و نهی ۲. امر و نهی عالی نسبت به دانی یا بالعکس. سید مرتضی در الذریعه به اختلاف بین علما در معنای لفظ امر اشاره کرده که برخی این لفظ را مختص به قول میدانند نه فعل و در معنای فعل بصورت مجاز تعبیر نموده اند و برخی دیگر لفظ امر را مشترک بین قول و فعل و حقیقت بین آن دو دانسته اند. سید مرتضی خود استعمال لفظ امر در زبان عربی را یک بار در قول و دیگر بار در فعل صحیح دانسته است. (سید مرتضی، بی تا: ۲۷)

برآیند و نتیجه این اختلاف این است که بر اساس قائلین به نظریه قولی بودن امر به معروف و نهی از منکر، کسی که خود گناهکار است و مرتکب منکر می‌گردد می‌تواند امر و نهی نماید اما بر اساس قائلین به نظریه فعلی بودن امر به معروف و نهی از منکر، کسی که مرتکب فعل منکر می‌شود و گناهکار است، هرگز تازمانی که بری از گناه و منکر نشده حق امر و نهی ندارد. شایان ذکر است که امر و نهی، از منظر عالی و یا دانی بودن امر و ناهی نیز قابل بحث است «و الأمر و النهی علی مقتضی الأصول عبارة عن قول الأعلى للأدنی: افع، أو لا تفعل، مقتراً بالإرادة و الكراهة، و فیما قصدناه عبارة عما أثر وقوع الحسن و ارتفاع القبیح من الغير من الأقوال و الأفعال» (حلبی، ۱۴۰۳: ۲۶۴) امر و نهی به مقتضای اصول عبارت از سخن عالی نسبت به دانی است: انجام بده. یا انجام نده، از روی اراده یا کراهت، آنچه مقصود ماست عبارت از اثر وقوع کار پسندیده و از بین رفتن کار ناپسند توسط دیگری با گفتار و کردار است.

در اصول استنباط ظاهر معنای ماده أمر را «طلب نمودن انجام کار به وسیله کلام به لحاظ برتری مقام» تعریف کرده است. و این معنا را شامل دو معنای وجوب و استحباب دانسته است و گفته

شده البته در صورت اطلاق بدون قرینه، معنای اول متبادر میشود چرا که شدت طلب در وجوب بیشتر است. (حیدری 1412: ۷۷)

اختلاف و تشتت آرا در معنای امر و نهی، استنباط شمول و گستره معنا و کاربردهای متفاوت آنها در حوزه های مختلف معنایی را به دنبال دارد. در قرآن کریم نیز امر در معانی گوناگون بکاررفته و بر این گوناگونی و گستره معنایی صحه گذاشته و تأیید نموده است. قابل ذکر است که هریک از این معانی در جایگاه بکار رفته، مورد استفاده بوده و در بین علما و حتی محاوره، این معانی ساری و جاری است و تصویری از بکارگیری اشتباه به اذهان تبادر پیدا نمی کند این اختلاف و تشتت آراء در معنی قول و فعل برای امر قابل جمع می باشد و نهایتاً منتج به این نتیجه می گردد که امر و نهی معنای بعث و برانگیختن و در حقیقت تشویق به یک چیز مورد پسند قاطبه مردم و بلکه عقلاست که مطابق ذات و فطرت آدمی بوده لذا این خیر و صلاح جنبه دستور و فرمان آن را پوشش میدهد و پذیرش مأمور به را میسر میکند.

۶- امر و نهی در فقه

گستره معنایی امر و نهی، قابلیت و مزیتی برای دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر ایجاد کرده تا با توجه به شرایط و مراتب این دو فریضه و سایر شؤون مختلف آنها مانند وجوب و استحباب، مورد استفاده قرار گیرند لذا امکان ایجاد تناسب معنا با هریک از مراتب، معطوف به این مهم می باشد و اگر این قابلیت و انعطاف در معنا وجود نداشت فهم فریضه با لحاظ شرایط و مراتب آن بسیار دشوار و بعضاً غیر ممکن می شد.

فاضل مقداد "امر" را به معنای درخواست انجام کاری از دیگری و "نهی" را مانع شدن از کاری که فردی می خواهد انجام دهد تعریف کرده است. (مقداد، ۱۴۲۵: ۴۰۴)

با این تعریف "امر" و "نهی" وجهه ی جبر و قهر پیدا نمی کنند و چون بحث درخواست به جای دستور و فرمان مطرح است مأمور به هم جبهه گیری منفی نداشته بلکه اثرپذیری قلبی و باطنی بهتری از خود به نمایش خواهد گذاشت. با عنایت به مراتب امر به معروف و نهی از منکر که

شؤون مختلف کاربردی این دو فریضه هستند این معنی در مراتب پائین قابل بهره برداری بوده و اساساً غیر وجوبی و غیر مولوی می باشند.

امام (ره) امر و نهی از جانب امر و ناهی را دارای مولویت دانسته و لزوم دستور به انجام معروف و ترک منکر را لازم میدانند هر چند که امر و ناهی در مرتبه پائین باشند لذا در مسأله ۱۲ می فرماید: «کفایت نمی کند اینکه بگوید: بدرستی که خدا تو را به نماز فرمان داده یا تو را از خوردن شراب نهی کرده است مگر اینکه مقصود از امر به معروف و نهی از منکر (با آن) حاصل شود، بلکه لابد است اینکه بگوید: مثلاً، نماز بخوان، یا شراب نخور، و مانند اینها از جملاتی که مفید امر کردن و نهی نمودن از جانب وی می باشد.» (خمینی (ره) بی تا: ۴۶۵)

اینکه امر و نهی از جانب امر و ناهی دارای مولویت است ولو اینکه امر و ناهی در مرتبه پائین باشند ناظر به بحث وجوب و استحباب در امر به معروف و نهی از منکر است. در هر یک از مراتب سه گانه امر به معروف و نهی از منکر، وجوب و استحباب جریان دارد با این وجود تنافی با انجام امر و نهی از ایسر هم به وجود نمی آید چون عمده موارد امر و نهی در مراتب پائین، ارشادی و استحبابی می باشند و طبیعتاً آسانتر از مرتبه یدی هستند.

گستره معنایی این قابلیت را به این دو فریضه می دهد که امر به معروف و نهی از منکر در شؤون مختلف مانند مراتب سه گانه، وجوب و استحباب، جنبه اجتماعی و فردی مورد استفاده قرار گیرد. و هر کدام از اهمیت ویژه برخوردارند مثلاً در اهمیت امر و نهی اجتماعی آیت الله مکارم در ذیل آیه ۱۰۴ سوره مبارکه آل عمران می فرماید: به دنبال آیات پیشین که مسئله اخوت و اتحاد را توصیف می کرد در این آیه اشاره به مسئله "امر به معروف" و "نهی از منکر" شده که در حقیقت بمنزله یک پوشش اجتماعی برای محافظت جمعیت است چون بدون این مسئله ریشه اجتماع خشکیده و نابود میگردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۵)

با عنایت به اینکه امر به معروف و نهی از منکر ذومراتب می باشد و هر مرتبه شأن خاص خود را دارد مراد از امر و نهی در این دو فریضه الهی صرف دستور و فرمان آن هم در تمامی مراتب آن نیست. بنابراین باید معنای امر و نهی، متناسب با هر یک از مراتب فهم شود. حال به منظور روشن تر شدن بحث از سطوح مختلفی که برای امر بیان گردیده کمک می گیریم.

۷- سطوح سه گانه امر و نهی

برای امر و نهی سه سطح قابل تعریف است: ۱. امر و نهی عالی نسبت به دانی ۲. امر و نهی دانی نسبت به عالی ۳. امر و نهی مساوی نسبت به مساوی

در دستوری بودن سطح اول اتفاق نظر وجود دارد و این معنا برای آن حقیقت دانسته شده است اما نسبت به سطوح دوم و سوم، امر و نهی معنای وجوبی و دستوری خود را از دست داده و معنای غیر وجوبی از آن ذکر شده است سید مرتضی وجوب اعتبار رتبه در امر را بدون شبهه می داند. و می گوید قبیح است که کسی بگوید به امیر دستور دادم یا او را نهی کردم ولی قبیح نیست اینکه بگوید به او خبر دادم یا از او خواستم. پس دلالت می کند بر اینکه اعتبار رتبه در امر معتبر است. و واجب است که این اعتبار فقط هنگامی که امر اعلی رتبه از مأمور است اطلاق پیدا کند پس هنگامیکه امر پایین مرتبه تر از مأمور باشد یا مساوی با او باشد دیگر گفته نمی شود که او را امر کرد. (سید مرتضی، بی تا: ۳۵) صاحب کفایه علو امر را در معنی امر معتبر دانسته و طلب سافل یا مساوی از عالی را امر نمیداند و می گوید اگر امر به آن اطلاق شود به نحو عنایت است از طرفی طلب عالی را مطلقاً امر می داند و لو اینکه از روی خضوع و فروتنی طلب خود را آمرانه ابراز نکند. (آخوندخراسانی، ۱۴۰۹: ۶۳)

مرحوم علامه مظفر امر را طلب مخصوص معرفی نموده و طلب مخصوص را هم طلب عالی از دانی که نتیجه این، علو شخص امر است. ایشان طلب دانی از عالی را استدعا نامیده و نیز طلب شخص مساوی از مساوی را التماس نام نهاده است. ایشان نیز در ادامه استعلا و برتری طلبی فرد دانی یا مساوی را علیرغم ادعای برتری طلبی و آشکار نمودن این برتری طلبی امر حقیقی ندانسته اما طلب عالی را امر معرفی میکند اگر چه تظاهر و میل به برتری نداشته باشد این (امر بودن طلب عالی) به حکم تبادل و صحت سلب امر از طلب غیر عالی است و صحیح نیست اطلاق امر به طلب غیر عالی مگر به نحو عنایت و مجاز اگر چه طلب برتری داشته باشد. (مظفر، ۱۴۳۰: ۱۰۸)

دسته بندی مطالب در راستای تبیین مراد از امر و نهی، حاکی از این است که امر و نهی بر اساس سطوح سه گانه، در هر کدام از مراتب امر به معروف و نهی از منکر، جریان دارد ولی تعیین کننده

معنا در دو فریضه، برای امر و نهی نیستند آنچه تعیین کننده معنای امر و نهی در امر به معروف و نهی از منکر است بحث حکمی این دو فریضه یعنی وجوب و استحباب است لذا در هر مرتبه، هم وجوب وجود دارد و هم استحباب و هم سطوح سه گانه، اما آنچه تعیین کننده معنای دستوری یا غیر دستوری است همان وجوب یا استحباب است که در صورت وجوب دستور و فرمان معنای امر و نهی خواهد بود و هر معنای دیگری رافع تکلیف شرعی نخواهد بود و در صورت استحباب معنای غیر دستوری، برای امر و نهی صحیح خواهند بود.

پیچیدگیها و ظرافتهای معنایی امر و نهی، باعث شده که برخی تعریف این دو فریضه الهی را ناقص بدانند؛ چنانکه در کتاب راه نجات در بحث مفهوم شناسی این دو فریضه، تعریف و تبیین ناقص از امر به معروف و نهی از منکر، تنگناهایی دانسته شده که باعث گردیده آن‌ها نتوانند در جایگاه رفیع خود قرار گیرند.» (حاج صادقی، ۱۳۹۵: ۲۴)

به نظر نگارنده با عنایت به گستره معنایی امر و نهی، مشکل در تعریف و تبیین درست واژه‌ها و در حقیقت مشکل در مفهوم شناسی این کلمات نیست بلکه توجه به وجوب یا استحباب امر و نهی و بکارگیری مفاهیم موجود، متناسب با شأنیت هر مرتبه است.

۸- تعریف فقهی امر به معروف و نهی از منکر:

با عنایت به معنای امر و نهی، و نیز معروف و منکر، امر به معروف، کلام یا کاری (قول و فعلی) است که طاعت را به دنبال دارد و نهی از منکر، قول یا فعلی است که مانع از کار ناپسند می‌گردد. «الامر بالمعروف و هو الحمل علی الطاعة قولاً، أو فعلاً و النهی عن المنکر و هو المنع من فعل المعاصی قولاً، أو فعلاً.» (شهیدثانی، ۱۴۱۰: ۴۰۹) امر به معروف، بر طاعت قولی و فعلی حمل می‌شود و نهی از منکر مانع شدن از انجام معاصی به واسطه قول و یا فعل است.

«الأمر طلب الفعل بالقول علی جهة الاستعلاء، و النهی نقيضه.» (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۲۳۸) امر درخواست زبانی مبنی بر انجام کاری به جهت برتری است و نهی نقیض امر است.

بر این اساس امر به معروف حمل می‌شود بر طاعت و امتثال امر الهی و در حقیقت امر، امر کننده به امر الهی و مکلف به انجام تکلیف شرعی خود می‌باشد نه اینکه امر دستوری از ناحیه خویش صادر کند تا این اشکال وارد شود که چرا با توجه به روح لجوج انسان به خصوص در این موارد

که پذیرای دستور و فرمان نیست برای این فریضه امر یعنی دستور و فرمان به کار رفته است. در این صورت، امر در معنای طلب و معنای خاصی که اصولیون برای آن بیان نموده اند (طلب عالی از دانی) تحقق پیدا می کند چرا که در اینجا در حقیقت، امرکننده خداوند تبارک و تعالی، و امر به معروف، مجری فرمان الهی است که به تکلیف شرعی خود عمل می کند. نهی نیز به همین صورت چون فرد ناهی، نهی کننده از معاصی است که خداوند متعال آنها را منع نموده و ناهی از منکر، مجری فرمان الهی است.

حال باید در پی این نکته باشیم که دعوت به معروفات که باید همراه با ملاحظت و مهربانی باشد و با حسن خلق انجام گیرد آیا امر که مقارن با جبر و قوه قاهر است در روند اجرای آن اخلال ایجاد نمی کند؟

گسترده‌گی و تعدد معنایی امر و نهی و ذو مراتب بودن این دو فریضه پاسخ مناسبی برای این مسئله است. در اینجا به مراتب امر به معروف و نهی از منکر اشاره میشود. مراتب انکار عبارتند از: انکار به قلب، لسان و ید (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۲۴۱) فقهاء در نوع و تعداد مراتب امر به معروف و نهی از منکر اتفاق نظر دارند. در دو مرتبه اول، امر و نهی عمدتاً ارشادی و استجابی است لذا باید بسیار لین و از سر رأفت و فارغ از معنای دستور و استفاده از جبر باشد چنانکه خداوند حتی در مورد فرعون به حضرت موسی(ع) دستور می دهند که با قول لین او را دعوت کن *فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى* (طه: ۴۴) در تفسیر کوثر در ذیل این آیه شریفه آمده است: «این که به موسی و هارون امر شد که با فرعون به نرمی سخن بگویند، برای آن است که در دعوت به حق باید اصول و شیوه‌های درستی انتخاب شود و از همان آغاز با خشونت و سختگیری شروع نشود که طرف مقابل فرار می کند و به سخن حق گوش نمی دهد، ولی اگر با نرمی و ملامت باشد، طرف آمادگی می یابد که مطالب را بشنود و درباره آن ببیند.» (جعفری، ۱۳۷۶: ۵۷۰) مرحوم طبرسی در مجمع البیان در تفسیر ادامه آیه یعنی عبارت *لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى* آورده است: «او را از روی امید و انتظار دعوت کنید، نه از روزی یأس و عدم انتظار. بدیهی است که اگر انسان کاری را از روی امید انجام دهد، بهتر به ثمر می رسد تا کاری را از روی یأس انجام دهد.» (طبرسی، ۱۳۶۰: ۳۰) و اساساً انبیاء و امامان(علیهم السلام) به همین خاطر مبعوث شده و در سیره آنان، نوع امر به

معروف و نهی از منکر آنها در قالب دعوت و درخواست برای پذیرش دین بوده است. چنانکه پیامبر مکرم اسلام (ص) می فرماید:

«بعثت لأتمم مكارم الأخلاق». (خرمشاهی، ۱۳۷۶: ۳۲۸) اساساً دعوت پیامبر (ص) بر اساس اخلاق و محبت بوده و خداوند متعال هم به پیامبر (ص) می فرماید:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران / ۱۵۹) که ای پیامبر اگر نرم خو نبودی همه از اطراف تو می رفتند و ائمه (علیهم السلام) هم به همین صورت، چون هم سیره آنها مبتنی بر دعوت دلسوزانه و هدایتگرانه بوده و هم در احادیث شریفشان پیروانشان را به حرکت در این مسیر فرا خوانده اند. و اینها دو مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر را در بر می گیرند. پس امر و نهی که از آن یاد می شود اگر در مسیر درست خود و آنگونه که سیره انبیا و اولیاء الهی است انجام بگیرد منافاتی با روح نیک خواه انسان نداشته چرا که آفریننده این نظام هستی همانگونه که روح انسان را در برابر جبر و قهر و زور منفعل آفریده این روح را هم در مقابل حق تسلیم آفریده و فطرتاً حق را دوست دارد.

بنابراین معنای امر و نهی، در شیوه صحیح اجرای امر به معروف و نهی از منکر، نمود پیدا میکنند چون در همه مراتب امر به معروف و نهی از منکر استفاده از قهر و دستور و فرمان صحیح نیست بلکه متناسب با هر مرتبه امر و نهی معنا می گردد ضمن اینکه لزوماً باید از ایسر صورت بگیرد تا برسد به مرتبه یدی که در این مرتبه دو نکته باید مورد توجه قرار بگیرد یکی اینکه شأن این مرتبه دستور و فرمان و استفاده از قوه قهریه است و دیگر اینکه این مرتبه فردی نیست بلکه از وظایف حکومت می باشد مرحوم سلار در مراسم می فرماید: فأما القتل و الجراح فی الإنكار، فالی السلطان أو من يأمره السلطان. (سلار دیلمی، ۱۴۰۴: ۲۶۰)؛ از این رو باید گفت در همه مراتب صرف معنای دستور و فرمان برای امر و نهی به کار نمی رود البته در همه مراتب چون وجوب و استحباب وجود دارد در موارد امر به وجوب، دستور و فرمان جاری است و غیر از این معنا حکم تکلیفی امثال نشده است لکن در موارد امر و نهی استحبابی لزومی به استفاده از دستور و فرمان نیست بلکه باید معانی غیر دستوری بکارگیری شود از آنجایی که در مراتب پایین، امر و نهی

استحبابی بیشتر جریان دارد لذا عمدتاً امر و نهی در این مراتب در غیر معانی دستوری بکارگیری می شوند لذا همواره در دو مرتبه لسانی و زبانی امر و نهی قرین ملاحظت و مهربانی است.

نتیجه :

در قرآن کریم، آیات زیادی بر امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارند؛ بعضی از این آیات به طور صریح و آمرانه و بعضی به طور غیرمستقیم و ارشادگرایانه به رواج این دو آموزه دینی می پردازند. با مطالعه کتب حدیث درمی یابیم که بیانات ائمه هدی(ع) درباره وجوب امر به معروف و نهی از منکر؛ ترجمان وحی و تفسیر قرآن کریم و در راستای مضامین و اهداف قرآنی است. شرایط اقامه امر به معروف و نهی از منکر در همه افراد جمع نمی شود، بلکه بعضی از مردم صلاحیت اقامه آن را دارند. هر چند همه مردم مخاطب آن هستند، ولی به آن مامور نیستند و این شروط جز در «معصوم» و گروه مومنان جمع نمی شود.

علی‌رغم اینکه برخی از افراد امر و نهی را به معنای دستور دادن به انجام یک کار و یا بازداشتن از آن می‌دانند، باید گفت این دو فریضه بسیار فراتر از معانی مذکور هستند و در هر یک از آنها، مراتب معنای مطابق و متناسب وجود دارد. با توجه به تکلیفی بودن این دو فریضه، مهمترین عاملی که تعیین کننده معنای حکمی در هریک از مراتب است بحث وجوب و استحباب میباشد؛ بدین معنا که بدون وجوب و استحباب امر مولوی و ارشادی تحقق پیدا نمی کند وجوب و استحباب در تمام مراتب جریان دارد؛ از این رو در هریک از مراتب در بحث وجوب، امر و نهی باید دستوری مستعلیه صورت گیرد در غیر این صورت با تکیه بر حکم و اعتراف فقیهان صورت نگرفته و وظیفه و تکلیف شرعی به مرحله اجرا درنیامده است. آنچه که در امر به معروف و نهی از منکر بسیار مهم و در مرکز توجه است، اوامر و نواهی استحبابی هستند.

آمر و ناهی، هر دو مجریان فرمان الهی هستند که به این دو فریضه شرعی عمل می‌کنند. امر و نهی عالی نسبت به دانی بهترین دلیل برای عدم جبهه گیری افراد در مقابل امر و ناهی است؛ به این دلیل که امر و ناهی حقیقی، خداوند تبارک و تعالی است و خلایق در مرتبه پائین از خالق قرار دارند؛ از این رو در هر حال امر و نهی امر و ناهی چون منتسب به خداوند متعال است، وجه

دستوری آن خلدشه‌دار نمی‌شود که البته در موارد وجوبی دستوری بودن الزام دارد ولی در امور مستحب، فریضه امر و نهی با مهربانی و ملاحظت انجام می‌گردد. اصل امر و نهی در مرتبه لسانی قابل تعریف است؛ زیرا این مرتبه محل گفتار است و دو مرتبه قلبی و لسانی عمدتاً فعلی هستند، ولی نتیجه نهایی انعکاس رفتاری و فعل رخدادی باید مبتنی بر امر و نهی مستعلیه باشد.

منابع:

قرآن کریم

- ۱) آخوندخراسانی، محمدکاظم بن حسین. ۱۴۰۹ق، کفایه الاصول، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- ۲) اسدی، حسن بن یوسف بن مطهر. ۱۴۲۰ق، «علامه حلی»، تحریر الأحكام الشرعیة (ط- الحدیث)، چاپ اول، جلد ۲، قم، مؤسسه امام صادق(ع).
- ۳) بستانی، فواد افرام. ۱۳۷۵ش، فرهنگ ابجدی، چاپ دوم، تهران، اسلامی.
- ۴) ثقفی تهرانی، محمد. ۱۳۹۸ش، تفسیر روان جاوید، چاپ سوم، جلد ۱، تهران، انتشارات برهان.
- ۵) جعفری، یعقوب. ۱۳۷۶ش، تفسیر کوثر، چاپ اول، جلد ۶، قم، انتشارات هجرت.
- ۶) جوهری، اسماعیل، الصحاح. ۱۳۷۶ش، چاپ اول، جلد ۶، بیروت، دار العلم للملایین.
- ۷) حلبی، ابوالصلاح، تقی الدین بن نجم الدین. ۱۴۰۳ق، الکافی فی الفقه، چاپ اول، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین(ع)
- ۸) حلی، مقداد بن عبد الله سیوری. ۱۴۲۵ق، کنز العرفان فی فقه القرآن، چاپ اول، جلد ۱، قم، انتشارات مرتضوی.
- ۹) حلی، مقداد بن عبد الله سیوری. ۱۳۸۴ش، کنز العرفان فی فقه القرآن، مترجم بخشایشی، عبد الرحیم عقیقی، چاپ چهارم، جلد ۱، قم، انتشارات نوید اسلام.
- ۱۰) حیدری، علی نقی. ۱۳۸۳ش، الاصول الاستنباط، مترجمان، شیروانی، علی، غروی، محسن، چاپ اول، قم، دارالفکر.
- ۱۱) حاج صادقی، عبدالله. ۱۳۹۵ش، راه نجات(امر به معروف و نهی از منکر)، چاپ اول، قم، انتشارات زمزم هدایت.
- ۱۲) حیدری، علی نقی. ۱۴۱۲ه.ق، اصول الاستنباط، چاپ اول، قم، لجنه اداره الحوزه العلمیه.

- ۱۳) خرمشاهی بهاء الدین انصاری. ۱۳۷۶ش، مسعود، پیام پیامبر(ص)، چاپ اول، تهران، انتشارات منفرد.
- ۱۴) دیلمی، سلار، حمزه بن عبد العزیز. ۱۴۰۴ق، المراسم العلویة و الأحکام النبویة، چاپ اول، قم، ناشر منشورات الحرمین.
- ۱۵) راغب اصفهانی، حسین. ۱۳۷۴ش، مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، تهران، دارالعلم.
- ۱۶) صاحب، اسماعیل بن عباد. ۱۴۱۴ق، المحيط فی اللغة، چاپ اول، جلد ۷، ناشر: عالم الکتب، مکان چاپ: بیروت.
- ۱۷) طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، جلد ۷، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- ۱۸) طریحی، فخرالدین. ۱۳۷۵ش، مجمع البحرین، چاپ سوم، جلد ۱، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- ۱۹) عابدزاده، اصغر، امر به معروف و نهی از منکر؛ بایدها و نبایدها، فصلنامه مطالعات قرآنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، دوره دهم، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۸ش، صص ۳۹۲ - ۳۶۱
- ۲۰) عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی. ۱۴۱۰ق، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی-کلانتر)، چاپ اول، جلد ۲، قم، کتابفروشی داوری.
- ۲۱) علم الهدی، علی بن حسین (سید مرتضی). ۱۳۷۶ش، الذریعة الی اصول الشریعة، چاپ اول، جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۲۲) فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۰۹ق، کتاب العین، چاپ دوم، جلد ۹، قم، نشر هجرت.
- ۲۳) فیومی، احمد بن محمد. ۱۴۱۴ق، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چاپ دوم، قم، منشورات دار ارضی.
- ۲۴) قرشی، علی اکبر. ۱۳۷۱ش، قاموس قرآن، چاپ ششم، جلد ۱، تهران، دارالکتب الاسلامی.
- ۲۵) مظفر، محمد رضا. ۱۴۳۰ق، أصول الفقه، چاپ پنجم، قم، طبع انتشارات اسلامی.
- ۲۶) مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، جلد ۶۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- ٢٧) موسوی خمینی، سیدروح الله. بی تا، تحریر الوسیلة، جلد ١، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم.
- ٢٨) مکارم شیرازی، ناصر. ١٣٧٤ش، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، جلد ٣، دار الکتب الإسلامیة.

Resources:

The Holy Quran

- ١) Akhund Khorasani, Mohammad Kazem Ibn Hussein, Kefaya al-Osul, first edition, ١٤٠٩AH, Qom, Al-Bayt Institute (PBUH) Publications
- ٢) Asadi, Hassan Ibn Yusuf Ibn Motahar "Allama Halli", Tahrir Al-Ahkam Al-Sharia (I-Hadith), first edition, ١٤٢٠AH, Volume ٢, Qom, Imam Sadegh (AS) Institute
- ٣) Bostani, Fouad Afram, Farhang Abjadi, second edition, ١٩٩٦, Tehran, Islamic
- ٤) Saghafi Tehrani, Mohammad, Tafsir Ravan Javid, third edition, ١٣٩٨ AH, Volume ١, Tehran, Borhan Publications
- ٥) Jafari, Yaqub, Tafsir Kawthar, first edition, ١٩٩٧, Volume ٦, Qom, Hijrat Publications
- ٦) Johari, Ismail, Al-Sahah, first edition ١٣٧٦AH, Volume ٦, Beirut, Dar Al-Alam lilmalaeen
- ٧) Halabi, Abu al-Salah, Taqi al-Din bin Najmuddin, Al-Kafi in jurisprudence, first edition, ١٤٠٣AH, Isfahan, Public Library of Imam Amir al-Mu'minin (AS)
- ٨) Halli, Muqdad ibn Abdullah Sivari, The Treasure of Mysticism in the Jurisprudence of the Qur'an, First Edition, ١٤٢٥AH, Volume ١, Qom, Mortazavi Publications

- ۹) Halli, Meqdad Ibn Abdullah Sivari, The Treasure of Mysticism in the Jurisprudence of the Qur'an, Translated by Bakhshaishi, Abdul Rahim Aghiqi, Fourth Edition, ۲۰۰۰, Volume ۱, Qom, Navidaslam Publications
- ۱۰) Heidari, Ali Naghi, Principles of Inference, Translators, Shirvani, Ali, Gharoyan, Mohsen, First Edition, ۲۰۰۴, Qom, Dar al-Fikr
- ۱۱) Haj Sadeghi, Abdullah, The Way of Salvation (commanding the good and forbidding the evil), first edition, ۲۰۱۶, Qom, Zamzam Hedayat Publications
- ۱۲) Heydari, Ali Naghi, ۱۴۱۲AH, Principles of Inference, First Edition, Qom, Committee of the Department of Seminarian
- ۱۳) Khorramshahi Bahauddin Ansari, Massoud, The Message of the Prophet (PBUH), First Edition, ۱۹۹۷AH, Tehran, Monfared Publications
- ۱۴) Daylami, Salar, Hamza Ibn Abd Al-Aziz, Al-Marasim Al-Alawi and Al-Ahkam Al-Nabawiyyah, first edition, ۱۴۰۴AH, Qom, Manshurat Al-Haramain Publication
- ۱۵) Ragheb Esfahani, Hossein, Vocabulary of Quranic Words, Second Edition, ۱۹۹۰, Tehran, Dar al-Alam
- ۱۶) Sahib, Ismail Ibn Ibad, The Environment in Language, First Edition, ۱۴۱۴AH. AH, Volume ۴, Publisher: Alam al-Kitab, place of publication: Beirut
- ۱۷) Tabarsi, Fadl Ibn Hassan, Al-Bayyan Complex in the Interpretation of the Qur'an, Third Edition, ۱۹۹۳, Volume ۷, Tehran, Naser Khosrow Publications
- ۱۸) Tarihi, Fakhreddin, Bahrain Complex, third edition, ۱۹۹۶, Volume ۱, Tehran, Mortazavi Bookstore.

- ۱۹) Abedzadeh, Asghar, commanding the good and forbidding the evil; Do's and Don'ts, Quarterly Journal of Quranic Studies, Islamic Azad University, Jiroft Branch, Volume ۱۰, Number ۳۷, Spring ۱۳۹۸, pp. ۳۶۱-۳۹۲
- ۲۰) Ameli, Shahid Thani, Zayn al-Din bin Ali, Al-Rawdha al-Bahiyya in Sharh al-Lama'a al-Damashqiyya (Al-Mahshi-Kalantar), first edition, ۱۴۱۰AH, volume ۲, Qom, Davari Bookstore
- ۲۱) Alam al-Huda, Ali ibn Hussein (Sayyid Morteza), Al-Dari'ah al-Usul al-Shari'a, first edition, (۱۹۹۷), Volume ۱, Tehran, University of Tehran Press
- ۲۲) Farahidi, Khalil Ibn Ahmad, Kitab al-Ain, second edition, ۱۴۰۹AH. Volume ۹, Qom, Hijrat Publication
- ۲۳) Fayumi, Ahmad Ibn Muhammad, Al-Misbah Al-Munir in Gharib Al-Sharh Al-Bir Al-Laraf, Second Edition, ۱۴۱۴AH, Qom, Dar Ardy Publications
- ۲۴) Qurashi, Ali Akbar, Quran Dictionary, sixth edition, ۱۹۹۲, Volume ۱, Tehran, Islamic Library
- ۲۵) Muzaffar, Mohammad Reza, The Principles of Jurisprudence, fifth edition, ۱۴۳۰AH, Qom, Islamic Publications
- ۲۶) Majlisi, Mohammad Baqir, The Sea of Lights: The Collection for Pearls of Traditions of the pure Imams, ۱۴۰۳AH, Volume ۶۸, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi
- ۲۷) Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, Tahrir al-Wasila, Bita, Volume ۱, Qom, Dar al-Alam Press Institute
- ۲۸) Makarem Shirazi, Nasser, Sample Interpretation, First Edition, ۱۹۹۵, Tehran, Volume ۳, Dar al-Ketab al-Islamiya

Semantics of commanding and forbidding commanding the good and forbidding the evil in the Qur'an

Abstract

The Holy Quran is a book of guidance and a source of mercy and good news for Muslims. Throughout history, Quranic verses and themes have been an artistic tool and an inspiring source for poets and writers. Acquired according to the semantic system in which it is located. This article, which is of qualitative type and has been written with a descriptive-analytical method, has analyzed the semantics of the word and the concept of "commandment" in the two duties of the famous commandment and the prohibition of evil. Examining the views of jurists and research in jurisprudential texts, in this study it was concluded that commanding and forbidding in the two duties of commanding the good and forbidding the evil, does not necessarily have a single meaning in all of them, but for each level of meaning, the meaning of this The words should be considered in the appropriate order.

Keywords: Holy Quran, Principles of Jurisprudence, Enjoining the Good, Prohibition, Semantics.